

## مطالعه اجرای جنسیت از خلال فعالیت‌های خیریه زنان در فضای مجازی (مورد خاص اینستاگرام)

مه‌ری بهار<sup>۱</sup>، مریم فروغی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۷، تاریخ تایید: ۹۸/۴/۱۸

### چکیده

در این مقاله در پی آن بوده‌ایم تا با تکیه بر تئوری اجرای جنسیت از جودیت باتلر، و با بررسی فعالیت‌های نیکوکارانه زنان خیر در شبکه اجتماعی اینستاگرام، مکانیسم‌های اجرای جنسیت را در فعالیت‌های خیریه مورد مطالعه قرار دهیم. در واقع در پی آن بودیم که چگونه از خلال کنش‌هایی که به‌ظاهر جنسیتی نشده‌اند، امر جنسیتی شده سر بر می‌آورد. از همین رو، مبادرت به فعالیت خیریه، بستری مناسب به‌نظر می‌رسید. از دیگر سو، رسانه‌های جدید که پتانسیل‌های زیادی برای جلب فعالیت‌ها از فضای واقعی به فضای مجازی دارند، جایی برای فعالیت‌های خیریه در قالبی نوین را فراهم آورده‌اند. زنان خیر نیز به‌نظر می‌رسد در شبکه‌های مجازی فعالیت زیادی دارند. از همین رو بر آن شدیم تا با نظر داشت به ایده نمایش هویت جنسیتی، مکانیسم‌های نمود و اجرای جنسیت در فعالیت‌های زنان خیر در اینستاگرام را بازنه‌سازیم. از آنجا که جودیت باتلر بنیان بخش مهمی از نظریه‌اش را بر بسط نقادانه مفهوم گفتمان مد نظر فوکو گذاشته است، چارچوب مفهومی این مقاله نیز بر مفهوم «گفتمان جنسیتی» و مفاهیم مرتبط با آن استوار است. از همین رهرو با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی مورد نظر لازار (۲۰۰۷)، فعالیت‌های مورد نظرمان در شبکه مجازی اینستاگرام را در سطوح مختلف و با تحلیل متن‌های گزینش شده از پروفایل ۴ زن خیر فعال در اینستاگرام و چنانچه ایجاب می‌کرد، با تأکید بر جنسیت به‌عنوان عامل کانونی، مورد تحلیل قرار دادیم. نتایج حاکی از آن است که نمود عناصر برسازنده گفتمان جنسیتی در زمینه مورد بررسی این مقاله، بر این اساس قابل تحلیل‌اند: ۱- فعالیت‌های نیکوکارانه زنان در فضای مجازی به‌مثابه اجرای متفاوت جنسیتی، ۲- فعالیت‌های نیکوکارانه زنان در فضای مجازی به‌مثابه محمل بازنمایی انسداد. همچنین این‌طور می‌نماید که زبان جنسیتی، همچون «سلاح گفتمان مردسالار» عمل می‌کند. بدین معنا که به‌کار بردن زبان جنسیتی، مکانیسمی است که در فضای مجازی منجر به بازتولید عناصر گفتمانی برسازنده هویت جنسیتی حال حاضر می‌شود.

**واژگان کلیدی:** جنسیت، فعالیت‌های خیریه، شبکه‌های مجازی، تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی.

۱ دانشیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

mbahar@ut.ac.ir

۲ کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی. maryamfouroughi@gmail.com

## مقدمه

رسانه، جنسیت و فعالیت‌های داوطلبانه؛ هر سه در دنیای امروز موضوعاتی مطرح و تأثیرگذارند. فارغ از جهت‌گیری‌های نظری، نمی‌توانیم از این چشم‌پوشی کنیم که رسانه‌ها در دنیای جدید به‌نوعی برسازنده‌ی الگوهای رفتاری هستند (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۰۲). اگر فعالیت‌های خیریه را به‌مثابه‌ی الگویی از رفتار حمایتی بپذیریم که در اخلاق جمعی پشتوانه‌ی محکمی نیز دارد و پسندیده شمرده می‌شود، آن‌گاه می‌توانیم به جایگاه تأثیرگذار حضور این سنخ کنش دیگرخواهانه در رسانه‌ها به‌عنوان جهت‌دهنده‌ی الگوهای رفتاری پی ببریم. از طرفی به‌خوبی می‌دانیم که ساخت اجتماعی جنسیت<sup>۱</sup> چیزی نیست که بتوان در رصد پدیده‌های اجتماعی از آن فارغ ماند. مشارکت اجتماعی در فعالیت‌های داوطلبانه یکی از دریچه‌های پیوند افراد با جامعه است. با توجه به اینکه رسانه‌ها با گذر زمان نه‌تنها تعدد یافته، که نقش بیشتری نیز در زندگی مردم می‌یابند، این ادعا گزاف نیست که در یکی-دو سال اخیر، رسانه‌ها بیش از پیش به محملی برای کسب و کار، ارائه‌ی خدمات و گزارشات مربوط به آنها تبدیل شده‌اند. شاید یکی از دلایل این امر، ویژگی رسانه‌های جدید در جداکردن فرد از مکان حال حاضر او و پیوند زدنش با جهان از طریق پنجره‌های مجازی باشد که همین امر ساز و کار هویت‌یابی فرد را نیز با تغییر مواجه می‌کند (خانی، ۱۳۸۸: ۳۵).

به‌نظر می‌رسد قابلیت‌های خلاقانه‌ی فضای مجازی و رسانه‌ها در این فضا، بسترهای مشارکت را به‌نحوی جدید فراهم آورده‌اند (هاشمی و همکاران به نقل از بنت، ۱۳۹۰: ۲۵۲). چنین زمینه‌ای می‌تواند راه را برای فعالیت‌های مختلف بازکند تا خود را به دامنه‌ی وسیعی از مخاطبان معرفی کنند. خیریه‌ها و کنش‌های داوطلبانه نیز از این قاعده مستثنی نمی‌شوند. یکی از نقش‌های مهم فعالیت‌های داوطلبانه - از جمله امور مبتنی بر خیریه - در پیوند افراد با جامعه و درواقع مفهوم مشارکت است. چنین درکی عمیقاً با مفهوم «جامعه‌ی مدنی» پیوند خورده است. در این میان اما به‌نظر می‌رسد تعاریف ما از مفاهیم مشارکت خیریه عمیقاً با مفهوم مذهب گره‌خورده و در کاربرد مفهوم «مشارکت مدنی»، گویی مشارکت خیریه را نادیده می‌گیریم<sup>۲</sup>. این‌طور می‌نماید که بسترهای فعالیت رسانه‌های مجازی مبتنی است بر ایجاد امکان دسترسی به اطلاعات بدون محدودیت زمانی و مکانی (همان: ۲۵۳). از این میان چنین می‌نماید که اینستاگرام با توجه به اینکه شبکه‌ی اجتماعی موبایلی و «پروفایل‌محور» است و افراد

1 Social Construction of Gender

۲ نگاه شود به پیمایش مشارکت زنان، ژاله شادی‌طلب، ۱۳۸۲.

می‌توانند محتواهایی را تحت عنوان «پست»، «استوری» و «ویدئوهای بلندتر»، به اشتراک بگذارند و بازخورد بگیرند و کاربری آن با توجه به موانع کمتر نسبتاً آسان بوده؛ بستر مناسبی برای رشد فعالیت‌های مدنی باشد. همچنین اگر شبکه‌های مجازی مورد اقبال عمومی در کشور را رصد کنیم، شاهد هستیم که ظاهراً در اینستاگرام فعالیت خیران بیشتر به چشم می‌خورد. همچنین شاهد آن هستیم که خیریه‌ها و فعالیت‌های مبتنی بر نیکوکاری در این شبکه اجتماعی مجازی رو به فزونی است. گرچه پرداختن به چرایی اینکه «اقبال بیشتر فعالان امور خیریه در شبکه‌های مجازی نسبت به اینستاگرام به چه علت است» خود موضوعی جداگانه برای تحقیق به نظر می‌رسد؛ اما مشاهدات ما نشان می‌دهد که ویژگی‌هایی نظیر سادگی دسترسی، فیلتر نبودن، نحوه ارائه محتوا و تجربه کاربری آسان در کنار حضور افراد مختلف با زمینه‌های اجتماعی و ذائقه‌های گوناگون در این شبکه اجتماعی می‌تواند دسترسی افراد به مخاطبان را تسهیل و در نتیجه، اقبال خیران به این شبکه اجتماعی را بیشتر کند.

آنچه از رصد فعالیت‌های خیریه در اینستاگرام به نظر می‌آید، حضور پررنگ زنان در قامت خیرانی در اینستاگرام است که به شکل شخصی و یا زیرمجموعه‌ای از انجمن یا سازمانی خاص فعالیت می‌کنند. اگر خیریه‌ها را یکی از امکانات جامعه مدنی برای ترمیم خلأها بدانیم، با توجه به مفهوم ساخت اجتماعی جنسیت، گرافه‌گویی نیست اگر به تمایزات کیفی حاصل از نقش‌های جنسیتی شده در فعالیت‌های خیران در فضای مجازی توجه کنیم.

### طرح مسئله

پژوهش‌های مختلف در جهان حاکی از آن است که رسانه‌های مجازی در برابر رسانه‌های سنتی از نظر فراوانی و کیفیت و همچنین با توجه به سرعت و گستره دسترسی و شمولشان مزیت دارند (Tilak, 2017:71). کمبود منابع مالی و نیروی انسانی، عدم وجود سیاست‌های شفاف و قانونمند دولتی و همچنین دسترسی نداشتن به حمایت‌های پولی از مشکلاتی است که خیریه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد علی‌الخصوص در کشورهای در حال توسعه با آن روبه‌رو هستند. فضای مجازی بستری را برای چنین سازمان‌هایی فراهم می‌کند تا بتوانند به یاری‌دهندگان بالقوه‌ای که در شرایط عادی به ایشان دسترسی ندارند، دست یابند (همان). گویا سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه‌ها در ایران نیز متوجه چنین ظرفیتی شده‌اند و مصداق آن فعالیتشان در شبکه‌های مجازی است. به نظر می‌آید اینستاگرام چند ویژگی شاخص را دارا باشد: ۱- کاربری موبایلی آن که دسترسی را راحت‌تر می‌کند و ۲- از فیلترشدن در امان مانده و دسترسی به آن

از این نظر نیز ساده‌تر می‌نماید.<sup>۱</sup> از دیگر سو امروزه شاهد آن هستیم که افرادی نه تحت لوای سازمانی خاص، بلکه به صورت شخصی از طریق این رسانه‌های مجازی، دست به اقدامات نیکوکارانه می‌زنند. با توجه به پویابودن این بستر فضای مجازی، عملاً نمی‌توان در مورد حضور بیشتر یا کمتر زنان و مردان نسبت به یکدیگر حکمی قطعی داد، اما آنچه با رصد این فضا به دست می‌آید، شاید بتواند ما را به این موضوع رهنمون سازد که در اینجا نیز حضور زنان نسبت به قبل بیش‌تر احساس می‌شود.

آنچه پژوهش‌ها نشان می‌دهد، حاکی است که در زنان مشارکت‌کننده در فعالیت‌های اجتماعی در ایران، میل به فعالیت‌های خیریه‌ای، نقطه مشترک دسته‌بندی‌های مختلف از الگوی‌های مشارکت اجتماعی، از زنان انزواطلب گرفته تا فعال، می‌تواند باشد (شادی‌طلب و کمالی، ۱۳۸۱: ۴۰). با مطالعه تاریخ معاصر درمی‌یابیم که مشارکت زنان در خیریه‌ها را می‌توان حول مفهوم «تحول نقش زن از نظارت به مشارکت» جمع‌بندی کرد.<sup>۲</sup> در واقع اگر زمانی کنش خیریه برای زنان امری بود مبتنی بر اهداکنندگی<sup>۳</sup> و پس از آن، این حضور به سطوحی از نظارت محدود می‌شد، امروزه فعالیت خیریه بخش قابل توجهی از مشارکت اجتماعی فعالان زنان را تشکیل می‌دهد. «مشارکت» در جامعه مدنی، بخشی غیرقابل انفکاک است. در گفتمان فمینیستی، زنان کنشگرانی خلاق و آگاه به‌شمار می‌روند که در چارچوب حضور فعالانه و مشارکت اجتماعی، نقش‌های محول را متحول می‌سازند. از این‌رو برای پیشبرد جامعه، راهی جز مشارکت زنان در فرآیندهای اجتماعی وجود ندارد (شادی‌طلب، ۱۳۸۲: ۱۷). به نظر می‌رسد که چنین مشارکتی امروزه به بخشی از ارائه جنسیت<sup>۴</sup> تبدیل شده. گویی زنان در هویت جنسیتی جدیدشان، از خلال نقش‌های حمایتی<sup>۵</sup> که برایشان در نظر گرفته شده، حائز این مسئولیت<sup>۶</sup> هستند که برای مشارکت اجتماعی در فعالیت‌های حمایتی نیز ظاهر شوند.<sup>۷</sup>

۱ از طرفی امکانات خود این نرم‌افزار موبایلی - که البته از طریق صفحه وب هم قابل دسترسی است - نیز به جذابیت آن افزوده. چنانچه اینستاگرام به کاربرانش اجازه می‌دهد تا مطالبشان را در لحظه، در دیگر صفحات مجازیشان نظیر توئیتر و فیس‌بوک نیز به اشتراک بگذارند.

۲ برای توضیح بیشتر در این باره مراجعه شود به یادداشتی با عنوان «زنان خیر، از نظارت تا مشارکت» از مریم فروغی، منتشر شده در روزنامه «صفهان زیبا» شماره ۳۲۴۶، دوشنبه مورخ ۱۳۹۷/۴/۲۵.

۳ چنانچه مک‌کارتی اشاره دارد، در جوامع مسلمان، یکی از شاخصه‌های فرهنگ نیکوکاری، در نظر گرفتن زنان به‌مثابه اهداکنندگان است (McCarthy, 2001: 4).

4 Presentation of Gender

5 Supportive Roles

6 Accountability

۷ چنانچه ساندرگارد اشاره می‌کند، چنین فعالیتی برای ایجاد نوعی توازن میان حضور اجتماعی در دنیای مردسالارانه با وظایف در نظر گرفته شده برای زنانگی است (Sondergaard, 2016).

در این مقاله برآنیم تا ضمن مطالعه فعالیت‌های خیریه زنان از خلال شبکه‌های مجازی (مورد خاص اینستاگرام)، این مسأله محوری را مورد بررسی قرار دهیم که چگونه فعالیت خیران بر پایه تمایزات مبتنی بر جنسیت در چنین فعالیت‌هایی نمود پیدا می‌کند؟ بر همین اساس، چنانچه باتلر نیز معتقد است، جنسیت را اجرایی گفتمانی در نظر گرفتیم که گرچه امری ذاتی نیست، اما تا جایی تحت تأثیر گفتمان جنسیت مفهوم‌سازی<sup>۱</sup> شده است که برای غالب افراد مسائل مبتنی بر جنسیت، امری از پیش مسلم مفروض می‌شود. به عبارت بهتر، پیکربندی مفاهیم در اذهان آن‌قدر جنسیتی است که حتی کنش‌هایی که در تعریف اولیه منطبق با یک جنس فیزیولوژیک مقرر نشده‌اند، جنسیتی شده‌اند. براساس این فرض باتلر که اجرای جنسیت<sup>۲</sup> به نوعی برسازنده کردار گفتمان جنسیتی است و با توجه به زمینه مطالعاتی نگارندگان در حوزی زنان و خیریه‌ها، این سؤال که «جنسیت در فضای مجازی از خلال فعالیت‌های خیریه چگونه نمود پیدا می‌کند؟» پرورانه شد.

حضور زنان در فضای مجازی به مثابه بخشی از حوزه عمومی، به خودی خود قابلیت بحث و پژوهش را داراست. از طرفی با همه‌گیر شدن فضای مجازی و حضور بیش از پیش زنان در قامت خیرانی که به تنهایی به انجام فعالیت خیریه در این بستر می‌پردازند، چنین می‌نماید که واکاوی چگونگی فعالیت‌های خیریه زنان در فضای مجازی، با توجه به بسترهای هر یک از رسانه‌های مجازی پرکاربرد در کشور، بتواند نه تنها پرده از بخشی از سازوکار حاکم بر فعالیت‌های خیریه بردارد، بلکه با در نظر داشتن جنسیت به عنوان عاملی تعیین‌کننده، فرآیند اجرای آن از خلال این فعالیت‌ها را واکاود. داعیه مقاله حاضر آن است که با تکیه بر نظریات باتلر، مکانیسم‌هایی شناسایی شود که در اصل جنسیت از خلال فعالیت‌های زنان خیر در اینستاگرام از بستر آنها نمود می‌یابد. باتلر هویت جنسیتی را برساخته جنسیت می‌داند و آن را یک اجرا<sup>۳</sup> از آنچه به صورت فرهنگی و اجتماعی و مشخصاً گفتمانی به وجود آمده قلمداد می‌کند. بنابراین، در پی آنیم که بدانیم جنسیت از خلال کنش‌های نیک‌اندیشانه زنان خیر در فضای مجازی (مورد خاص اینستاگرام) چگونه نمود می‌یابد؟

### هدف و سؤالات تحقیق

برای نیل به هدف اصلی خود، مبتنی بر دستیابی به مکانیسم‌های اجرای جنسیت در فعالیت‌های خیریه مجازی (با تأکید بر خیران اینستاگرامی) دو سؤال محوری با تکیه بر نظریه اجرای جنسیت جودیت باتلر داریم:

1 Conceptualization

2 Gender Performance

3 Performance

۱- عناصر برسازنده گفتمان جنسیتی چگونه در فعالیتهای خیریه زنان از خلال اینستاگرام چگونه نمود می‌یابند؟

۲- با چگونه مکانیسمی فعالیتهای خیریه می‌توانند عناصر گفتمانی برسازنده هویت جنسیتی حال حاضر را [برای سوژه] بازتولید کنند؟

برای دستیابی به پاسخ این دو سؤال، ابتدا از طریق کنکاشی نظری پیرامون مفهوم اجرای جنسیت و سپس از خلال بررسی صفحات خیران اینستاگرامی (با تأکید بر فعالیت زنان) به بررسی عناصر گفتمان جنسیتی و نحوه اجرای آن خواهیم پرداخت. سپس سعی خواهیم کرد از خلال روش تحلیل گفتمان به سؤالات تحقیق پاسخ دهیم.

### چارچوب مفهومی

در این مقاله، چارچوب مفهومی مبتنی است بر مفاهیم گفتمان جنسیتی و اجرای جنسیت که با اتخاذ رویکرد روشی مناسب در پی آنیم تا به پرسش‌هایمان در باب مکانیسم‌های اجرای جنسیت از خلال فعالیتهای خیریه زنان خیر در فضای مجازی پاسخ دهیم. بنابراین، تکیه نظری این مقاله بر تئوری جودیت باتلر<sup>۱</sup> پیرامون اجرای جنسیت است. همچنین، در صحبت از گفتمان جنسیتی (به‌ویژه با تاسی به تأثیرپذیری باتلر از نظریات میشل فوکو<sup>۲</sup>) رویکردمان به گفتمان، وامدار ادبیات فوکو و البته متکی بر خوانش باتلر از وی است. نتیجتاً پیش از پرداختن به مباحث روش‌شناختی، برای روشن شدن آن مفهومی که از اجرای جنسیت مدنظر داریم، بر مفاهیم قدرت، سوژه، ایدئولوژی و هویت از منظر گفتمان جنسیتی در ادبیات باتلر مروری خواهیم داشت.

برخی شارحان فوکو معتقدند که وی در رابطه با دایره اختیارات سوژه، معتقد است که فرد از دو جنبه مهم حائز ویژگی عاملیت است؛ یکی افرادی ناهمخوان با جامعه که چون تحت عملکردهای انتظامی گفتمان قرار می‌گیرند و گویی شرایط ذهنیت خود را واژگون می‌کنند و دیگر اینکه سوژه انسانی از نظر وی زمینه‌ای از امکانات فعال یا غیرفعال مادی و کنترل‌شده است، نه سوژه‌ای در کشاکش‌های هستی‌شناختی میان آزادی یا سلطه (کتر، ۱۳۹۰: ۲۲۲). فوکوی متأخر قوام یک سوژه را فراتر از مناسبات میان قدرت و گفتمان مطرح می‌کند و بر ثابت‌نبودن ذهنیت به‌عنوان امکانی برای سازماندهی آگاهی به نوعی صحنه می‌گذارد (Foucault, 1998:330). او معتقد است که فرد تحت کنترل مفهوم بدن و عناصر گفتمانی ناظر بر آن درآمده، منضبط شده است (King, 2004:32- به نقل از فوکو).

1 Butler, J.

2 Foucault, M.

به‌هرروی، اعطای مقام سوژگانی به فرد در نسبت با قدرت در اندیشه‌های متأخر فوکو حائز اهمیت است. با وجودی که منتقدان وی از آثار اولیه‌اش چنان استنتاج می‌کردند که خوانش فوکو از قدرت به‌صورتی است که گویا قدرت می‌تواند مولد باشد، افراد فاقد هر سطحی از عاملیت‌اند و نهایتاً اگر فوکو قدرت را در همه‌جا جاری می‌بیند، پس گویی قدرت اصلی متافیزیکی است تا عاملی اجتماعی (کرمانی‌ودلاوری، ۱۳۹۵: ۱۳۴ و ۱۳۳-به‌نقل ازنش)، اما آنچه موجب شده تا تأثیر فوکو بر نظریه‌گفتمان نمایان باشد، همین تأکیدش بر ساخت سوژگی است (همان: ۱۳۲). او در توضیحات نظری متأخرش پیرامون قدرت، عاملیت سوژه را بیشتر به رسمیت شناخته است. وی با بیان اینکه قدرت بر سوژه‌های آزاد است که عمل می‌کند، بر این نکته تأکید می‌کند که آنجا که قدرت هست، مقاومت نیز خواهد بود. آنچه که وی در تحلیل روابط قدرت به ما متذکر می‌شود، پرهیز از تقلیل این روابط به نهادهاست (فوکو، ۱۳۸۹: ۱۴۳۱ الی ۴۲۶).

نظریه‌پردازان فمینیست از منظرهای مختلف به فوکو خرده گرفته‌اند. عده‌ای نیز نظریه اجتماعی او را در راستای ایده‌های نوآورانۀ خود بسط داده‌اند. در میان این عده، جودیت باتلر به‌چشم می‌خورد. وی بیان می‌دارد که گرچه بخش‌هایی از نظر فوکو (خصوصاً راجع به پیوند بدن زنانه و هویت اسطوره‌ای بخشیدن به آن) را می‌پذیرد، اما این امکان را که این خود جزیی از یک اجرا یا نمایش شالوده‌شکنانه باشد را فراموش نمی‌کند (کتر، ۱۳۹۰: ۲۲۴-به‌نقل از Butler, 1990). در بحث از سوژه، باتلر معتقد است که قدرت سیاسی با تولید انگاره سوژه پیشاقانونی و پس از آن مشروع جلوه‌دادن آن، درواقع آن چیزی را که داعیه‌دار بازنمایی‌اش است، تولید می‌کند (باتلر، ۱۳۸۵: ۴۶). بدین معنا که قدرت در پی آن است تا چنین بنمایاند که سوژه، اساساً امری جنسیتی است، نه اینکه جنسیتی شده باشد. از همین رو، تصویری از سوژه مطابق با آنچه در پی اجرایش هست را تولید، اما پنهان می‌کند. به‌همین ترتیب، یک آرایش گفتمانی را طبیعی جلوه داده و با مشروعیت‌بخشی به آن، بنیان‌های سلطۀ خود را مستحکم می‌کند. این همان چیزی است که فوکو نیز از آن صحبت به میان آورده است؛ درواقع فوکو معتقد است نظام‌های قدرت ابتدا سوژه را (چنانچه مدّ نظر دارند) تولید می‌کنند<sup>۱</sup>، سپس به بازنمایی‌اش می‌پردازند<sup>۲</sup> (همان).

۱ در واقع فوکو معتقد بود که گفتمان‌ها با داعیه آشکار ساختن شخصیت افرادی چون مجرمان، بیماران و جز آن، آنها را خلق می‌کنند. در واقع گفتمان، افراد را در مقام ابژه‌هایی زیر ذره‌بین شناساگر خود، تولید و کنترل می‌کنند (سیدمن، ۱۳۹۲: ۲۳۸).

۲ چیزی شبیه این بحث را آلتوسر نیز در باب ایدئولوژی، بازنمایی و سوژه نیز بیان می‌کند، اما از نظر او واقعیت از خلال ایدئولوژی برای سوژه بازنمایی می‌شود و فهم سوژه از واقعیت را ایدئولوژیک می‌داند. چنانچه می‌نماید از دیدگاه آلتوسر سوژه مقام فاعلیت ندارد و همواره تحت تسلط ایدئولوژی باقی است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۳۸۹).

جودیت باتلر فهمی پساساختارگرایانه از سوژگانیت دارد. او نظریه‌اش را بر اساس تئوری‌های فوکو، قبل‌تر از آن دریدا، نیچه و لکان پیکربندی کرده است. نظرات وی شامل نقدی رادیکال بر مجموعه‌های هویتی می‌شود که فقط مشمول جنسیت نمی‌شود، بلکه طی آن جنس، سکسوالیته و بدن نیز همچون محصولات فرهنگی ادراک می‌شوند. از جرقه‌های سرآغازین نظریه باتلر، جمله معروف سیمون دو بووار است: «کسی زن زاده نمی‌شود، بلکه زن می‌شود»<sup>۱</sup>. این عبارت با مفاهیم مورد نظر فوکو پیرامون سوژه و بدن همچون پیامدهای تحت انضباط درآوردن [بدن] با قدرت همخوان است. باتلر همچون فوکو معتقد است که سوژگانیت به‌صورتی گفتمانی تولید می‌شود، ولی قائل به هویتی از پیش موجود<sup>۲</sup> نیست، بلکه معتقد است سوژه‌ها برپایه هویت‌های ساخته‌شده گفتمانی‌شان شکل می‌گیرند. از همین رو، باتلر ایده اجرایی بودن هویت جنسیتی را به منظور شرح بهتر رابطه آن با ذهن و جنسیت در مقام سوژگانی بسط داد<sup>۳</sup> (Jagger, 2008: 1-3). آنچه برای باتلر اهمیت فراوان دارد، نحوه عمل مقررات اجتماعی در فرآیند روانی ادغام با هنجارهاست. سؤال محوری او این است که «چگونه انقیاد میل موجب می‌شود تا میل به انقیاد به‌وجود بیاید؟» (همان، فصل سوم).

وی توضیح می‌دهد که هویت جنسیتی آن‌طور که غالباً فهم می‌شود در واقع محصول افسانه‌ای/تخیلی<sup>۴</sup> رژیم‌های قدرت است. در حقیقت در گفتمان‌های دانش/قدرت، هویت‌های جنسیتی از پیش‌موجود نیستند بلکه محصولات نمایشی هستند که گروه‌های مختلف هویت‌هایی که به نظرشان به سادگی از طریق آنها قابلیت نمایش، اجرا و بازنمایی دارند را به اجرا می‌گذارند (Butler, 1990: Introduction pp 10-14). وی مطرح می‌کند که آنچه که ما را به‌عنوان سوژه‌هایی جنسیتی مطرح کرده، در حال می‌تواند قابلیت عامیت و مقاومت را نیز به ما ببخشد. درواقع او می‌خواهد بدین نکته اشاره کند که این شرایط به‌طور هم‌زمان هم می‌تواند همچون مانع عمل کند و هم می‌تواند توانمندی ایجاد کند. درواقع جنسیت در یک زمان هم می‌تواند مکانیسمی برای بازدارندگی باشد (آنجا که افراد را بر اساس هنجارهای جنسیتی دسته‌بندی می‌کند) و هم محلی برای کنش‌های مولد (Lloyd, 1999: 200). همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، چنین نظری، در واقع قرائتی است از آراء متأخر فوکو مبتنی بر اینکه خود

۴۰. اگر بپذیریم که آلتوسر وجهی از موجودیت پیش از ایدئولوژی را برای سوژه‌ها در نظر می‌گرفت، متوجه خواهیم شد که این همان وجه افتراقش با آن چیزی است که ما مد نظر داریم.

1 One is not born but rather becomes a woman.

2 Pre-existing Identity

۳ عملاً فوکو از چنین مفهومی غافل مانده بود.

4 Fictional Product



قدرت می‌تواند به منبعی برای مقاومت بدل شود. چنانچه او در آثاری نظیر آشفتگی جنسیت<sup>۱</sup> و بدن‌هایی که مهم‌اند<sup>۲</sup> بیان می‌دارد، همان راهی که ما را به سوژه‌هایی جنسیتی بدل می‌سازد، در واقع به‌صورتی هم‌زمان و البته تاحدودی تناقض‌آمیز هم محلی برای ایجاد محدودیت و قاعده‌مندی است و در حال جایی برای پروراندن عاملیت و مقاومت.

در فصل اول کتاب «یادداشت‌هایی پیرامون نظریه‌ی نمایشی گردهم‌آمدن»<sup>۳</sup> تحت عنوان «سیاست‌های جنسیت و حق ظاهرشدن» [در ملأعام]،<sup>۴</sup> باتلر این سؤال محوری را مطرح می‌کند که کدامین افراد این حق انسانی‌شان در جوامع به رسمیت شناخته می‌شود که در جامعه آزادانه ظاهر شوند و کدامین افراد تحت سلطه‌ی گفتمان به‌عنوان سوژه شناخته نمی‌شوند؟ باتلر معتقد است که آنچه که به‌عنوان جنسیت به‌طور معمول (جنسیت نرمال) مورد قبول قرار می‌گیرد، در واقع وجهی شرطی دارد و دامنه‌ای از نمایش‌های «قابل اجرا» و «غیرقابل اجرا» را برای افراد مشخص می‌کند<sup>۵</sup> (Butler, 1995: 177). باتلر جنسیت را دارای ویژگی نمایشی بودن<sup>۶</sup> می‌داند و آن را مشخصه‌ی هویت جنسیتی می‌بیند. آنچه او بیان می‌کند آن است که حائز یک جنسیت بودن، تنها مجموعه‌ای از نمایش‌های جنسیتی نیست که فرد بتواند هر وقت بخواهد از آن سرباززند، بلکه مجموعه‌ای کنش برپایه‌ی هنجارهای اجتماعی<sup>۷</sup> است.<sup>۸</sup> براساس چارچوب مفهومی شرح‌داده‌شده، گزاره‌های زیر در واقع تکیه‌ی تئوریک این مطالعه هستند:

- جنسیت یک اجرای گفتمانی است نه یک موجودیت از پیش تعیین‌شده.
- گفتمان مسلط جنسیتی طی فرآیند قاعده‌مندسازی، عناصری از هویت جنسیتی را قابل نمایش یا غیرقابل نمایش می‌دانند.
- گفتمان‌ها با ایجاد مقبولیت موجبات بازتولید عناصر خویش را فراهم می‌نمایند.
- گفتمان هم عرصه‌ی بازتولید معناهای خویش است و هم محملی می‌تواند باشد برای مقاومت.
- اجراها لزوماً مکانیسمی برای اجرای دقیق درخواست‌های گفتمانی نیست، بلکه می‌تواند عرصه‌ای برای ظهور عاملیت‌ها باشد.

1 Gender Trouble

2 Bodies that Matter

3 Notes Toward A Performative Theory Of Assembly

4 Gender Politics And The Right To Appear

۵ و البته در ادامه بیان می‌کند که همان چیزی که امکان دارد به لحاظ جنسی غیر قابل اجرا باشد، اساساً خود یک هویت جنسیتی محسوب شود (خاصه در رابطه با نظریه کوئیر و هم‌جنس‌گرایی) که این مورد از موضوع مقاله خارج است.

6 Performativity

7 Societal Norms

۸ بنابراین اجرای فرد موضوعیت ندارد، بلکه اساساً خود اجراست که مهم است و می‌تواند محملی برای مقاومت یا جایگزینی عناصر گفتمانی شود.

- وجود سطوح مختلف قدرت در لایه‌های متفاوت اجتماعی می‌تواند منجر به بروز عاملیت‌ها شود.

- به رسمیت شناختن عاملیت‌ها در اصل به معنای صحه گذاشتن بر امکان وجود اجراهای خارج از چارچوب گفتمانی مرسوم است.

رویکردهای متنوع و بسیاری وجود دارد که به ما نشان می‌دهند که تا چه حد واقعیت‌های اجتماعی ساختی گفتمانی دارند (Cameron, 2001: 17). فوکو معتقد است که گفتمان مقوله‌ای فرازبانی است و موجب استیلای نظام‌های حقیقت بر سوژه‌های اجتماعی می‌شود (عقیلی و لطفی، ۱۳۸۸: ۱۲۷). لاکلاو و موف با در نظر گرفتن گفتمان به عنوان برسانندهٔ هویت اجتماعی، قدرت (امر سیاسی) را دارای مرکزیت در گفتمان می‌دانند و با قائل شدن ماهیت سیاسی برای گفتمان، معتقدند هویت‌ها در واقع محصول گفتمان‌ها هستند (مقدمی، ۱۳۹۰). تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی<sup>۱</sup> نیز در واقع رویکرد روش‌شناختی نسبتاً جدیدی به تحلیل گفتمان<sup>۲</sup> محسوب می‌شود که مدعی است رویکردهای پیشین از در نظر گرفتن جنسیت به عنوان عاملی نه تنها مؤثر، که محوری در تحلیل تاحدودی غافل مانده بوده‌اند. در واقع قائلان به این رویکرد، معتقدند که نه تنها در مطالعات جدید مبتنی بر تحلیل گفتمان باید عامل جنسیت و تأثیر آن را مورد مطالعه و تحلیل قرار داد، بلکه در پژوهش‌های گذشته نیز باید بازنگری کرد و نقش عامل جنسیت را در آنها نیز مدنظر قرار داد (Litoseleti & Sandeland, 2002: 31-33). در تحلیل انتقادی گفتمان، یک قطعهٔ زبانی به مثابهٔ یک متن در نظر گرفته می‌شود و برای تحلیل آن نه تنها عوامل درون‌متنی مورد تحلیل‌اند، بلکه عوامل خارج از متن به مثابهٔ زمینه‌های متن در تحلیل چگونگی تأثیر ساختارهای اجتماعی و مشخصاً در تحلیل انتقادی، روابط قدرت، مورد بررسی قرار می‌گیرد (فیاض و رهبری، ۱۳۸۵: ۲۴ و ۲۵).

**توضیحات روش‌شناختی (چرا از تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی استفاده می‌کنیم؟)**

شریفی و دریق‌گفتار (۱۳۹۵) در مقالهٔ خود، به این نکته اشاره کرده‌اند که نهایتاً یک تحقیق مبتنی بر نظریه‌های فمینیستی، صرفاً نمی‌تواند داعیهٔ تفسیر داشته باشد و در پی سطحی از عمل نیز هست. آنها به نقل از لازار (۲۰۰۷) مولفه‌هایی از نابرابری را (عدم مشارکت، خشونت،

1 Feminist Critical Discourse Analysis

2 Discourse Analysis

آزار، مسأله همسانی و...) ذکر می‌کنند که وظیفه تحلیل‌گر گفتمان را کشف این مولفه‌ها می‌داند (شریفی و دریق‌گفتار، ۱۳۹۵: ۱۶۳).

این‌طور نیست که اولین بار باشد که میان مطالعات جنسیت و تحلیل گفتمان رابطه مطالعاتی برقرار می‌شود. به نظر می‌رسد که هم به لحاظ نظری و هم از نظر تجربی، نمونه‌های زیادی از چنین تحقیقاتی وجود دارند. در این میان از شاخص‌ترین افرادی که رویکرد خود را تحت عنوان تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی مطرح کرده‌اند، لازار است (صابرپور، ۱۳۹۳: ۲۸). وجه متمایز تحلیل انتقادی فمینیستی گفتمان (FCDA)<sup>۱</sup> آن است که عینی‌گرایی و بی‌طرفی - که داعیه بسیاری پژوهشگران در بسیاری رویکردهای غیرفمینیستی است - را به چالش می‌کشد (Lazar, 2007).

در تحلیل گفتمان فمینیستی چنانچه ما نیز در چارچوب مفهومی مد نظر داریم، جنسیت امری سیال مد نظر گرفته می‌شود، نه امری ثابت و از پیش مسلم‌انگاشته‌شده. در این رویکرد، تمرکز بنیادین بر جنسیت، قدرت و ایدئولوژی در گفتمان است با این ویژگی که چندبعدی به مسأله متن می‌نگرد (همچون کرس و ون‌یوون) و در آن عکس‌ها، زمینه‌ها، ژست‌ها و صداها نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند (Lazar, 2007: 5). از همین رهرو است که لازار از مردانه‌شدن (مردانه‌کردن) سخن<sup>۲</sup> صحبت به میان می‌آورد. او چنین کنشی را که از خلال تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی می‌توان واکاوی، از منظر گفتمان مسلط، نوعی انحراف از هنجارهای متناسب با جنسیت برمی‌شمرد که تحت انضباط قرار می‌گیرد (Lazar, 2000). او در انواع تحقیقات انجام‌شده با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی، از خلال متون مختلف، عناصر گفتمان جنسیتی و ردپای قدرت و ایدئولوژی و هویت جنسیتی را درمی‌یابد. چنین است که چنین رویکردی می‌تواند به ضخیم‌شدن مبانی نظری پیرامون جنسیت کمک کند (Lazar, 2007: 147-149).

در تحلیل فمینیستی انتقادی گفتمان بررسی متن در سه سطح بازنمودها، هویت‌ها و روابط صورت می‌گیرد، ولی آنچه آن را متمایز می‌کند، تأکیدش بر جنسیت به‌عنوان عاملی کانونی است. «بنابراین تحلیل فمینیستی-انتقادی گفتمان بر نحوه (باز)تولید، رقابت و تثبیت ایدئولوژی‌های جنسیتی و روابط قدرت مبتنی بر جنسیت در بازنمایی فرآیندهای اجتماعی، روابط اجتماعی و نیز هویت فردی و اجتماعی افراد در متن و گفت‌وگو متمرکز است» (صابرپور، ۱۳۹۳: ۲۹). باوجود تفاوت‌هایی که میان رویکردهای مختلف در تحلیل انتقادی

1 Feminist Critical Discourse Analysis

2 Masculinization of Talk

گفتمان قابل رؤیت است، اما از نظر فرکلاف و وُداک، پنج پیش فرض مشترک وجود دارد که میان کلیه این رویکردها بر سرشان اتفاق است:

۱- خصلت گفتمانی ساختارها و فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی، ۲- تأکید بر مولود و مولد بودن گفتمان، ۳- قابل تحلیل بودن زبان در بافت، ۴- کارکرد ایدئولوژیک گفتمان و ۵- قائل بودن رویکرد انتقادی برای تحقیق (همان، به نقل از (Fairclough & Wodak, 1997).

لازار خود بیان می‌دارد که پژوهشگران تحلیل فمینیستی انتقادی گفتمان از آنجا که برای تحلیل جنسیت به چارچوب و بینایی مفهومی و نظری نیازمندند، غالباً از نظریه‌های موج سوم فمینیستی (همچون نظریه باتلر) استفاده می‌کنند (Lazar, 2007). دلیل روی آوردن به نظریات پسا ساختارگرا به نظر می‌رسد از این رو باشد که اگر سه مشخصه اساسی ۱- منتقد بودن به نظم موجود، ۲- انتقاد به رویکردهای آکادمیک محافظه‌کار و ۳- قائل بودن به وجود ارتباط میان کنش آکادمیک با وضعیت سلطه اجتماعی (صابرپور، ۱۳۹۳: ۳۳) به نقل از بیلیگ) را برای رویکردهای انتقادی در تحلیل گفتمان بپذیریم، آن‌گاه خواهیم دید که نظریه‌های پسا ساختارگرا چه قدر با این پژوهش‌ها همخوانند.

### توضیح تکمیلی پیرامون تحلیل عکس به مثابه متن

کرس و ون‌یوون<sup>۱</sup> در کتاب خوانش تصویر بیان می‌کنند که می‌توان در تحلیل تجارب و البته رمزگشایی از ساختار عمل اجتماعی، از ساختارهای دستور زبان استفاده کرد. به عبارت ساده‌تر عکس را نیز می‌توان آنچنان تحلیل کرد که یک نوشتار را (کرس و ون‌یوون، ۱۹۹۶). در تحلیل تصاویر، الگوی کرس و ون‌یوون نیز از نظر دور نبوده، ایشان برای تصویر سه فرانش قائلند: باز نمودی، تعاملی و ترکیبی. در سطح باز نمودی شاهد دو ساختار روایتی<sup>۲</sup> و مفهومی<sup>۳</sup> هستیم. در ساختار روایتی، شاهد کنشی هستیم که با پیگیری بردارها قابل رهگیری و کشف است و باید فاعلیت‌ها را مورد بررسی قرار داد. تصاویری که فاقد بردار باشند (یعنی فاقد خطی مشخصاً قطری که حاضران در تصویر را به هم مرتبط کند)؛ در ساختار مفهومی قرار می‌گیرند. در این ساختار، اغلب تعریف و طبقه‌بندی و تحلیل است که صورت می‌پذیرد (حقایق و سجوی، ۱۳۹۴: ۶- به نقل از اوایما و جوییت). "کیفیات نمادین در باز نمایی برجسته‌سازی می‌شوند، برجسته‌سازی یعنی برخی علائم می‌توانند چشم را بیشتر از سایرین جذب کنند.

1 Kress And Vanleuwen

2 Narrative

3 Conceptual

همچنین ارتباط میان مشارکت‌کنندگان در تصویر به معنای تعاملی شکل می‌دهد و عوامل اصلی شکل‌دهنده آن، فاصله، تماس و زاویه دید است (همان: ۷). در فرانش ترکیبی در واقع آن چیزی که مد نظر است، چگونگی شکل گرفتن تصویر به لحاظ جای‌گیری عناصر در ساختار تصویر است (یاسمی و آفاگل‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۹۳ الی ۱۹۰).

### دامنه پژوهش

در این مقاله، نگارندگان پس از بررسی فعالیت‌های خیریه اعضای ایرانی اینستاگرام و با رصد صفحات زنان خیر اینستاگرامی، پس از در نظر گرفتن ۴ پروفایل<sup>۱</sup> (صفحه شخصی) شاخص متعلق به زنان خیر فعال در اینستاگرام به دسته‌بندی و بررسی محتوای صفحات ایشان در راستای سؤالات تحقیق و در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی مورد نظر لزار پرداختند. بدین منظور از هر صفحه ۱۰ عکس، ۱۰ ویدئوی کوتاه و یا بلند و نهایتاً ۵ استوری ذخیره شده مورد بررسی قرار گرفت. بدیهی است که در تحلیل، بازخوردها (نظرات یا در اصطلاح comment) نیز مورد مطالعه قرار گرفتند. بنابراین ۱۰۰ متن همراه با بازخورد متعلق به صفحه مجازی خیران زن اینستاگرامی انتخاب شده در این مقاله<sup>۲</sup> از منظر نظریه هویت جنسیتی جودیت باتلر در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی لزار مورد بررسی قرار گرفتند. نهایتاً پیش از گزارش یافته‌ها چگونگی بررسی متون به صورت نمونه در ارتباط با ۲ متن به تفصیل گزارش خواهد شد.

با توجه به اینکه در این مقاله در پی آن بودیم تا چگونگی نمود و اجرای جنسیت از خلال فعالیت‌های خیریه زنان خیر در اینستاگرام را مورد بررسی قرار دهیم، پس هرچه که در این رسانه مجازی توسط نمونه‌هایمان به اشتراک گذاشته می‌شد، عملاً متنی بالقوه بود. با توجه به سرعت و گستره اطلاعاتی که هر روزه در شبکه‌های اجتماعی رد و بدل می‌شود، در واقع محققان با حجم وسیعی از متون روبه‌رو بودند که نه تنها تعداد ثابتی برای آن نمی‌توان مفروض شد، بلکه میزانشان رو به تزاید بود.

1 Profile

۲ این زنان حائز این ویژگی‌های مشترک بودند:

۱- از طریق اینستاگرام به طور شخصی اقدام به انجام امور خیریه می‌کردند.

۲- فعالیت‌هایشان مداوم بوده است.

۳- دنبال‌کنندگان یا در اصطلاح اینستاگرام followers ایشان بالای چند هزار نفر بوده‌اند.

۴- صفحاتشان عمومی (public) بوده است.

آنچه که از رصد فعالیت‌های خیریه در فضای مجازی توسط کاربران ایرانی به‌طور عام در مطالعات اولیه به‌دست آمد و پس از آن به‌طور خاص با تکیه بر مفهوم اجرای جنسیت بر آن صحنه نیز گذاشته شد، آن بود که به‌نظر می‌رسد مفهوم فعالیت مبتنی بر نیکوکاری در میان زنان در فضای مجازی مفهومی گسترده و فراتر از کمک مادی (پولی) است. آنچه به‌چشم می‌آید، بسیاری از صفحاتی که زنان خیر در این فضا اداره می‌کنند، در کنار انواع خدمات مالی، خدمات غیرمادی نیز از جمله انواع حمایت‌ها را نیز ارائه می‌دهند. چنین می‌نماید که هنجارهای جنسیتی مبتنی بر حمایت‌گری عاطفی زنان در این حوزه، موجب شده تا فعالیت‌های خیریه ایشان نیز سوای از حالت تأمینی (به معنای فراهم آوردن امکانات مادی)، سوای حمایتی بیشتری نیز دارد.<sup>۱</sup>

با توجه به بنیان نظری مقاله حاضر مبتنی بر نظریه اجرای جنسیت جودیت باتلر، نگارندگان در تحلیل خود علاوه بر در نظر گرفتن عناصر مدنظر لازار لازم دیدند تا عناصری را برای تحلیل اضافه کنند تا در روند پاسخ به سؤالات تحقیق چنان‌چه باید راهگشا باشد. بنابراین علاوه بر مدنظر داشتن عوامل مشارکت زنان در اعمال اجتماعی، مسأله خشونت علیه زنان، آزارهای جنسی، برچسب‌زنی، بیان استدلال (قدرت بیان استدلال توسط زنان)، فرض همسانی، حق انتخاب و حضور برابانه در عرصه‌های مختلف، که مورد نظر لازار نیز بوده است، عوامل؛ نحوه پوشش، ابراز ارزش‌های برابری خواهانه، تردیدهای هنجاری نسبت به مناسبات قدرت جنسیتی و به‌کارگیری زبان جنسیتی، نیز با توجه به زمینه اجتماعی، در ارزیابی اجرای جنسیت مؤثر به‌نظر رسیده؛ فلذا در تحلیل‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در رابطه با اجرای هویت جنسیتی، در تحلیل، علاوه بر فاکتور پوشش، به‌کارگیری/عدم به‌کارگیری عناصر هم‌خوان با هویت جنسیتی از نظر گفتمان مردانه نیز مد نظر بوده؛ همچنین همه این عوامل در مورد تحلیل و بررسی بازخوردهای مخاطبان نیز مورد مذاقه بوده است.

### صفحات مورد بررسی

در این مقاله ۴ پروفایل اینستاگرامی متعلق به اشخاص حقیقی مورد بررسی قرار گرفته که مشخصات آنها به تفکیک در جداول زیر می‌آید:<sup>۲</sup>

۱ با توجه به همین خصیصه، تعریفی که نگارندگان از فعالیت خیر در این مقاله مدنظر قرار داده‌اند، لزوماً مشتمل بر وجه حمایت مادی نمی‌شود و هرگونه فعالیت نیکوکارانه‌ی مادی و غیر مادی را نیز شامل می‌شود.  
 ۲ البته لازم به ذکر است که با توجه به ویژگی پویا بودن فضای مجازی، تعداد دنبال‌کنندگان ذکر شده در متن برابر با تعدادی ذکر شده که در زمان نگارش آخرین ویراست متن مقاله وجود داشته و مشخصاً امکان تغییر آن

**جدول شماره ۱: اطلاعات پروفایل شماره ۱**

نام فرد	نرگس کلباسی اشتري	۱
شناسه پروفایل	justnarges	۲
تعداد دنبال‌کنندگان	۵۸۷ هزار نفر (تا زمان نگارش)	۳
حوزه فعالیت	فعالیت‌های خیریه در کرمانشاه	۴

**جدول شماره ۲: اطلاعات پروفایل شماره ۲**

نام فرد	سعیده دل‌مرادی	۱
شناسه پروفایل	Saeide.delmoradi	۲
تعداد دنبال‌کنندگان	۴۹ هزار نفر (تا زمان نگارش)	۳
حوزه فعالیت	حمایت‌های مالی و عاطفی از خانواده‌ها	۴

**جدول شماره ۳: اطلاعات پروفایل شماره ۳**

نام فرد	آزاده عفیفی	۱
شناسه پروفایل	azadehafifi	۲
تعداد دنبال‌کنندگان	۳۴ هزار نفر (تا زمان نگارش)	۳
حوزه فعالیت نیکوکارانه	اطلاع‌رسانی، حمایت‌های مالی و عاطفی از بیماران سرطانی	۴

**جدول شماره ۴: اطلاعات پروفایل شماره ۴**

نام فرد	آیدا پوریاناسب	۱
شناسه پروفایل	aidapooryanasab	۲
تعداد دنبال‌کنندگان	۵۱۴ هزار نفر (تا زمان نگارش)	۳
حوزه فعالیت نیکوکارانه	تأمین امکانات مالی برای نیازمندان	۴

**پاره‌ای توضیحات پیرامون افراد و صفحات انتخاب شده**

**پروفایل شماره ۱- نرگس کلباسی اشتري**

شاید بسیاری از ما کمابیش با او آشنا باشیم یا لاقلاً اسمش از رسانه‌ها به طریقی به گوشمان خورده باشد. وی که در کودکی به خارج از ایران مهاجرت کرده و در بزرگسالی خیریه‌ای در یکی از استان‌های کشور هند دایر کرده بوده است، بر اثر مشکلات قانونی که بر سر راهش به وجود می‌آید، مدتی زندانی و نهایتاً با تلاش‌ها افراد مختلف و مقامات ایرانی آزاد شده و به

وجود دارد. همچنین نگارنده صاحبان این پروفایل‌ها را در رابطه با موضوع مقاله، توضیحات نسبت به پروفایل‌هایشان و در صورت تمایل، نتایج مطالعه در جریان قرار داده است.

ایران برمی‌گردد<sup>۱</sup>. کلباسی که از خلال همین موضوع در رسانه‌های مجازی فرد شناخته‌شده‌ای بود، پس از زلزلهٔ آبان ۱۳۹۶ در استان کرمانشاه، با تکیه بر تجربیات خود در زمینهٔ فعالیت‌های خیریه و با تکیه بر سرمایهٔ اجتماعی که در فضای مجازی به‌دست آورده بود، به مناطق زلزله‌زده رفت و تا کنون در آن مناطق حضور دارد و با جذب کمک‌های مالی به بازسازی قسمت‌هایی از آن منطقه مشغول است. روند کار او بدین صورت است که همواره در فضای مجازی اطلاعاتی در رابطه با فعالیت‌های انجام‌شده به مخاطبانش می‌دهد و در جهت شفاف‌سازی قدم برمی‌دارد و البته شرح هزینه‌ها و درآمدها را نیز به‌طور صریح با مخاطبانش در میان می‌گذارد. او در صفحهٔ شخصی‌اش خودش را یک «انسان‌دوست<sup>۲</sup>» معرفی کرده و به ارائهٔ راه‌های ارتباطی‌اش در قسمت توضیحات صفحه‌اش<sup>۳</sup> اکتفا کرده. کلباسی گرچه کمابیش قصهٔ زندگی‌اش را از رسانه‌های مختلف بازگو کرده، اما در صفحهٔ اینستاگرامی‌اش افراد را در جریان زندگی شخصی حال حاضرش قرار نمی‌دهد. شاید این وجه متمایز او با دیگر اشخاص مورد بررسی در این تحقیق باشد.

## پروفایل شمارهٔ ۲- سعیده دل‌مرادی

او معلم مدرسهٔ کودکان استثنایی در شهرستان سرخس است. به فعالیت‌های اقتصادی محلی<sup>۴</sup> نیز می‌پردازد. از فعالیت‌های اصلی او رساندن کمک‌های مردمی به خانواده‌های نیازمند روستایی است و برای همین نیز کانال تلگرامی، فعالیت مستمر و ظاهراً اخیراً ساز و کاری رسمی به نام «فرشته‌های روستا» را راه‌اندازی کرده تا بتواند با ارتباط گرفتن با افراد مختلف از این طریق از سرتاسر کشور و حتی خارج از کشور، کمک‌های خیریه را به‌دست نیازمندان برساند. دل‌مرادی تا زمان آخرین ویرایش این مقاله از تعداد ۷ کودک نیازمند سرپرستی همراه با همسرش سرپرستی می‌کند و در واقع خود را مادر کودکان نیازمند کمک و سرپرستی می‌داند. او درکنار ارائهٔ گزارش از انواع فعالیت‌های نیکوکارانه‌اش، به‌طور مداوم نمایی از زندگی شخصی خانوادگی‌اش نیز به نمایش می‌گذارد. فعالیت‌های وی لزوماً محدود به شهرستان سرخس نمی‌شود و در بسیاری موارد با خیران دیگر نیز همکاری می‌کند. او که بیشتر کمک‌های مادی ارائه می‌دهد، حتی برای ارائهٔ این خدمات، به نقاط مختلف سفر کرده و

۱ شرح کاملی از آنچه بر سر او رفته مشخصاً در بسیاری خبرگزاری‌های ایران گزارش شده و همچنین در

پست‌های قدیمی صفحه‌ی اینستاگرام وی موجود است.

2 Humanitarian

3 Bio (graphy)

4 Local Business



گزارش سفرهایش را نیز در صفحه اینستاگرامش به مخاطبانش می‌دهد. او در غالب فعالیت‌هایی که به اشتراک می‌گذارد، فردی یا همه اعضای خانواده‌اش را نیز به همراه دارد.

### پروفایل شماره ۳- آزاده عفیفی

عفیفی در توضیحات پروفایلش خود را یک نجات‌یافته از سرطان سینه و البته حامی مبتلایان و نجات‌یافتگان سرطان معرفی می‌کند. او که یک ایرانی مهاجر ساکن امریکاست، از پس بهبود از بیماری سرطان سینه، شروع به فعالیت در جهت اطلاع‌رسانی در شبکه مجازی می‌کند. تا کمی پیش از این فعالیت نیکوکارانه‌اش در اینستاگرام مبتنی بر ارائه اطلاعات دقیق راجع به بیماری سرطان (به‌ویژه سرطان سینه) و ایجاد شبکه‌ای حمایتی میان افراد مبتلا، افراد بهبودیافته یا درگیر با این بیماری و حتی افراد سالم در جهت آگاهی‌بخشی بود. از کارهایی که پیرامون فعالیت وی انجام می‌شد، پاسخ به سؤالات افراد، برگزاری پرسش و پاسخ به‌صورت زنده در اینستاگرام به‌صورت فردی یا با افراد مطلع راجع به بیماری سرطان، اطلاع‌رسانی راجع به داروها، اطلاع‌رسانی راجع به موجودی داروها و بعضاً ایجاد پیوندهایی بین افراد برای تأمین دارو و... معرفی راه‌های مقابله با عوارض بیماری و البته اطلاع‌رسانی راجع به مراکز خیریه درمان سرطان در شهرهای مختلف از طریق ایجاد شبکه ارتباطی میان مخاطبان صفحه مجازی خود. عفیفی با توجه به استقبال از فعالیت‌هایش، در کنار فعالیت حمایتی و اطلاع‌رسانی خود، مدتی است که در همکاری با افراد و مؤسساتی در ایران، حامیان مالی نیز در راستای حمایت از درمان بیماران سرطانی جلب کرده و توانسته است در همکاری با افراد حقیقی در ایران و... علاوه بر صفحه‌ای اینستاگرامی به نام «هیوا» که در زمینه مراقبت‌های عاطفی از بیماران سرطانی فعالیت می‌کند، فعالیت‌های وسیع دیگری نیز انجام دهد. او در صفحه‌اش غیراز فعالیت‌های حمایتی نیکوکارانه‌اش، محتواهای شخصی نیز به اشتراک می‌گذارد؛ لکن غالب محتواها در راستای هدف وی می‌باشد.

### پروفایل شماره ۴- آیدا پوریان‌سب

پوریان‌سب خود را در مشخصات صفحه‌اش، دانشجوی دکتر، متأهل، اهل سفر، کارآفرین و روستاگرد و البته همسر و مادر معرفی می‌کند. او که از کسانی است که نه‌تنها در شبکه‌های مجازی شناخته شده، بلکه همچون نرگس کلباسی به واسطه اقدامات نیکوکارانه‌اش در رسانه‌های رسمی نیز گاهی مورد توجه بوده است، به همراه همسرش در همین روستاگردی‌هایشان و از طرق مختلف دیگر موارد نیازمند را شناسایی و مورد تحقیق قرار داده و

از طریق فضای مجازی نسبت به وضعیت ایشان اطلاع‌رسانی می‌کنند. سپس با جذب حمایت‌های مالی آنان را تحت پوشش قرار داده و از فعالیت‌های خود به مخاطبانشان گزارش عملکرد ارائه می‌دهند. در مورد این صفحه، نکته قابل توجه آن است که پوریانسب در ضمن همکاری با همسرش در کلیه فعالیت‌های خیریه و دایر بودن یک صفحه اینستاگرامی مختص به فعالیت‌های خیریه مشترکشان، لکن گزارش‌ها و فعالیت‌ها را شخصاً و از صفحه خودش نیز گزارش می‌کند و از صفحه همسرش نیز جداست. همچنین او که دیگر فعالیت‌هایی که ذکر شده را نیز انجام می‌دهد در صفحه‌اش اطلاعات و محتواهای غیراز مقاصد نیکوکارانه و پست‌های حاوی اطلاعات شخصی نیز به اشتراک می‌گذارد.<sup>۱</sup>

## تحلیل متن نمونه<sup>۲</sup>



### عکس شماره ۱، متن ۱-۱

الزام به ذکر است که برای رعایت اصول اخلاقی تحقیق، صاحبان ۴ پروفایل نمونه از طرق مختلف در جریان این مطالعه قرار گرفته‌اند.

۲ هر متن شامل عکس (یا ویدئو) و محتوای آن، Caption (یا همان توضیحات نوشته شده زیر آن) و نهایتاً بازخوردها (یعنی نظرات مخاطبان) می‌شود. مشخصاً به دلیل تعداد بالای نظرات، از آوردن کل نظرات در متن خودداری شده و به ذکر نمونه در تحلیل بسنده می‌شود.

### تحلیل متن شماره ۱:

متن شماره ۱ در واقع مشتمل بر ۳ بخش عکس، متن زیر عکس و نظرات مخاطبان است. آنچه در عکس می‌بینیم این است: نرگس کلباسی اشتري در یکی از نواحی زلزله‌زده ظاهرأ جلسه‌ای تشکیل داده است. در متن زیر عکس البته او به این موضوع اشاره‌ای نمی‌کند. او پیام‌هایی را به مخاطبان‌ش به صورت مشخص می‌رساند که چند قسمت دارد: با آنها قراری می‌گذارد که در پیام‌رسان تلگرام منتظر پیام صوتی‌اش باشند؛ بیان احساس می‌کند و نهایتاً ضمن ارائه گزارش مالی، طبق رویه‌ای که دارد شماره حساب برای واریز وجوه اعلام می‌کند.

### بررسی متن با توجه به عناصر مد نظر در تحلیل:

مشارکت زنان در اعمال اجتماعی: ساختار متن روایتی است (مبتنی بر رخداد/اداری بردار). برجسته‌سازی متن بر شخص کلباسی مشارکت دادن مخاطب در متن.
خوشنوت علیه زنان: در این متن دیده نشد/ آزارهای جنسی: این مورد نیز دیده نشد/ نحوه پوشش: پوشش زنانه مشخصاً تخطی نسبت به عرف رایج ندارد.
برجسته‌سازی: در میان نظرات کاربران، چند نظر اشاره به تفاوت مبالغ واریز شده و هزینه شده دارند. این برجسته‌سازی بیش از آن که معطوف به جنسیت باشد، مبتنی بر مسئولیت‌های مالی است.
قدرت بیان استدلال: همچنان‌که در عکس می‌بینیم، مشخصاً نرگس کلباسی در حال صحبت کردن و دیگر افراد حاضر در عکس در حال گوش دادن هستند. در واقع آن کسی که در حال استدلال است مشخصاً شخصیت محوری است. همچنین در متن زیر عکس نیز وی هم برای ارائه گزارش مالی هم برای ارسال پیام صوتی خود استدلال ارائه می‌کند.
فرض همسانی، حق انتخاب و حضور برابری: به نظر می‌رسد که با توجه به عکس، صاحب صفحه نه تنها بر فرضیه‌ی همسانی صحنه می‌گذارد، بلکه هنجارشکنی می‌کند و معادله‌ی تفوق مردانه را برعکس می‌کند.
ابرازات برابری خواهانه: اگر منظور از ابرازات برابری خواهانه را فاش‌گویی و بیان بی‌پرده‌ی برابری زنان و مردان بدانیم، مشخصاً چنین چیزی در متن نوشته‌شده از جانب نرگس کلباسی دیده نمی‌شود. البته زمانی که عکس را به مثابه‌ی متن در نظر می‌گیریم، مسأله متفاوت می‌شود و در واقع اجرای نقش رهبری که در عرف و به لحاظ ساختاری مردانه شمرده می‌شود، کاملاً از جانب او در عکس برعکس بازی شده است. همچنین برعهده گرفتن نقش یک بازیگر اصلی و کششگر مالی نیز خارج از چارچوب‌های مرسوم نقش‌های جنسیتی شده است.
تردیدهای هنجاری نسبت به مناسبات قدرت جنسیتی: مشخصاً چنین عنصری حالتی پیامد‌ی در این متن و در بخش سوم این متن دارد. در واقع افراد با دیدن عکسی که به نوعی مناسبات جنسیتی را به چالش می‌کشد، دچار تردیدهای هنجاری می‌شوند. چنین تردیدهای هنجاری در زنان به شکل امیدوارانه و در مردان به شکل ناباورانه ظهور می‌کند. برای مثال یکی از زنان مخاطب نوشته است: وقتی می‌بینم به دختر مثل تو داره جلوی این همه مرد عرض اندام می‌کنه احساس افتخار می‌کنم و یکی از مردان مخاطب نوشته است که: کم‌کم دارم به توان باتوان کشورم ایمان می‌آورم که انگار خیلی از آقایون انگشت کوچیکه‌ی اون‌ها هم نیستن به خصوص مسئولین. همچنین اگر قدرت را به لحاظ ساختاری مردانه در نظر بگیریم، بسیاری از این تردیدها متوجه دولت می‌شود: ای کاش می‌شد تو رئیس جمهور می‌شدی و نظرات زیادی که متوجه قدرت سیاسی می‌شود.
به‌کارگیری عناصر هم‌خوان با هویت جنسیتی غالب: مشخصاً در نحوه‌ی خطاب قرار دادن استفاده از کلماتی نظیر عزیزانم و دوستان دارم بر اساس ساختار رایج، بیشتر همسو با زن بودن است. در واقع چنان‌که می‌دانیم ابراز احساس در گفتار مردانه، وجهی از زنانگی محسوب می‌شود. از این نظر، کاربرد چنین الفاظی می‌تواند به نوعی نشان‌دهنده‌ی عناصری از هویت جنسیتی باشد.
به‌کارگیری عناصر غیرهم‌خوان با هویت جنسیتی غالب: به طور واضح، قائل بودن به کنترل یک ساز و کار از جانب یک زن، در گفتار مردانه، امری ناهم‌خوان با هویت غالب جنسیتی است. زن در گفتار مردانه فرمانبردار است تا فرمانده در حالی که می‌بینیم که تصویری که نرگس کلباسی از خود به نمایش می‌گذارد نلفی چنین قاعده است.
به‌کارگیری زبان جنسیتی: اگر زبان جنسیتی را معادل با نمود زبان در زندگی روزمره مطلق با قواعد گفتار جنسیتی بدانیم، لهذا واژه‌ها و کاربردهای مبتنی بر دلالت‌های جنسیتی خواهند بود. همچنان‌که دیدیم، واژگان مربوط به بیان احساسات به لحاظ اجتماعی غالباً زنانه تلقی می‌شوند. اگر چنین قاعده‌ای را بپذیریم، با بررسی نظرات مخاطبان درمی‌یابیم که برهم‌خوردن معادله‌ی ذهنی جایگاه زنانه و مردانه بر اثر نقشی که نرگس کلباسی در محتوای به اشتراک‌گذاری شده‌اش بازتاب می‌کند موجب شده تا مخاطب از زبان جنسیتی در توصیف این وضعیت بهره‌برد با بررسی نظرات مخاطبان زیر همین متن می‌توان دریافت که پرتعدادترین کلمه در این میان واژه‌ی "شیرزن" است. همچنین واژه‌های غیرت، شرافت، شرف و عبارتهایی نظیر خیلی مردی، از همه‌ی مردها مردتری و ... (نقل به مضمون از این متن و متون دیگر) نشان می‌دهد که تا چه حد ساختارهای مردانه حتی در فضای جدیدی مثل فضای مجازی تفوق دارد. حتی به نظر می‌رسد به کار بردن مداوم واژه‌هایی نظیر "فرشته‌ی زمینی" یا واژه‌های تحسین‌آمیز همراه با تمجید از زیبایی فرد، خارج از قاعده‌های جنسیتی زبان نباشد.

## گزارش اجمالی یافته‌ها

**مشارکت زنان در اعمال اجتماعی:** از تحلیل تمام متون، چنین به نظر می‌رسد که به‌طور کلی می‌توان مدعی شد که فعالیت‌های حمایتی مبتنی بر نیکوکاری زنان خیر در شبکه مجازی اینستاگرام، مشخصاً و به‌طور بارزی بازنمایی‌کننده حضور و مشارکت زنان در اعمال اجتماعی هستند. تقریباً در تمام متون این موضوع به‌نحوی ابراز شده بود.

**مسئله خشونت علیه زنان:** در عکس‌ها و متن‌ها مشخصاً خشونتی دیده نمی‌شد. مسئله خشونت عیان تقریباً نزدیک به صفر و در حد یکی دو مورد در نظرات مورد اشاره بود. به‌نظر می‌رسد نظرات خشونت‌آمیز توسط اداره‌کنندگان صفحات حذف می‌شوند<sup>۱</sup>. اگر از این خشونت‌های آشکار بگذریم، در رابطه با بازنمایی خشونت، تعدادی از موارد گزارش‌ها در رابطه با توان خواهان شامل خشونت‌های پنهان (شامل انواع خشونت اقتصادی و... علیه زنان) می‌شد.

**آزارهای جنسی:** در استوری‌هایی که به‌صورت زنده در صفحات پخش می‌شوند، در مواردی آزارهای کلامی جنسی توسط مخاطبان نسبت به گردانندگان صفحات روا داشته شده. به‌نظر می‌رسد در صورت وجود نظراتی از این دست زیر پست‌ها، این نظرات پاک می‌شوند<sup>۲</sup>.

**برچسب‌زنی:** در موارد معدودی، به‌ویژه در صفحه مربوط به نرگس کلباسی اشتري که مبالغ کلان‌تر است، برخی از نظرات مخاطبان تلویحاً بیانگر سوءاستفاده‌های مالی بود<sup>۳</sup>. بر همین اساس، مشخصاً برچسب‌زنی در رابطه با موارد مالی صورت می‌گرفت که محدود به به‌طور میانگین ۲ یا ۳ نظر زیر هر پست می‌شد.

**بیان استدلال:** این گزاره همچون مسئله مشارکت از گزاره‌هایی است که تقریباً در تمامی متون به‌نحوی مورد اشاره قرار گرفته است. شاید بتوان استدلال کرد که در رابطه با بیان استدلال، مسئله بیان استدلال نیست، بلکه قوت و ضعف بیان استدلال است. بیان استدلال در صفحات آزاده عقیفی، نرگس کلباسی قوی، آیدا پوریا نسب به نسبت قوی، و در صفحه سعیده دل‌مرادی متغیر (از ضعیف تا قوی) بود.

۱ مشخصاً در ارتباط‌های ویدئویی موسوم به Live آزارها و خشونت‌های جنسی دیده می‌شوند که به سرعت توسط اداره‌کنندگان صفحات حذف می‌شوند. همچنین با توجه به امکان اینستاگرام به فیلترکردن نظرات حاوی کلمات خاص با نظر صاحب صفحه، این امکان وجود دارد که افراد بتوانند کلمات حاوی خشونت، آزار جنسی یا محتواهای نامناسب را حذف کنند.

۲ با توجه به قابلیت اینستاگرام مبتنی بر اعمال فیلترهایی بر نظرات.

۳ البته پس از اتمام تحلیل‌ها یکی از اینفلوئنسرهای فضای مجازی در توییتر و اینستاگرام نسبت به فعالیت‌های مالی نرگس کلباسی اتهاماتی مطرح کرد که همین مسئله تعداد موارد نظرات حاوی برچسب‌های مالی را بالا برده است.

**فرض همسانی:** به نظر نمی‌رسد که در هیچ‌کدام از صفحات، و در هیچ‌یک از پست‌های با مضامین خیریه<sup>۱</sup> اشاره صریحی به فرض همسانی شده باشد، لکن در میان نمونه‌ها صفحه نرگس کلباسی با اشتراک تصاویر، نشانه‌های مبتنی بر برابری بیشتری ارسال می‌کند که در این رابطه فاصله معناداری با دیگر صفحات دارد. صفحه مربوط به آزاده عقیقی از این جهت در رده دوم قرار می‌گیرد که در زمینه اجتماعی متفاوتی قرار دارد. سپس پوریانسنب و دل‌مرادی.

**حق انتخاب و حضور برابر در عرصه‌های مختلف:** در این رابطه به نظر می‌رسد توضیحات، همچون مورد قبل است.

**نحوه پوشش:** نحوه پوشش در میان این افراد بر روی طیفی قرار می‌گیرد که از یک سر طیف کاملاً منطبق. سر دیگر آن کاملاً نامنطبق قرار دارد. در سر منطبق آن، دل‌مرادی قرار دارد که عکس‌هایش با پوشش کامل است، سپس کلباسی که گرچه کاملاً مطابق با معیارهای متشرعانه پوشش و طبق موازین جمهوری اسلامی نیست، لکن مشخصاً عکس‌هایی که از فعالیت‌های خیریه‌اش در داخل مرزهای ایران به اشتراک می‌گذارد، فاصله‌ای با عرف اجتماعی ندارد. بعد از آن عقیقی قرار دارد. او گرچه اصلاً طبق موازین جمهوری اسلامی و در آن چارچوب‌های پوششی قابل تعریف نیست، لکن به دلیل اینکه در مرزهای جمهوری اسلامی ایران زندگی نمی‌کند، علی‌القاعده هنجارهای قانونی را نمی‌شکنند، بلکه ممکن است بعضاً با برخی هنجارهای عرفی منطبق نباشد. در سوی دیگر طیف پوریانسنب قرار دارد که مشخصاً در زمینه پوشش اجرایی ماجراجویانه دارد.

**ابرازات برابری خواهانه:** تقریباً در هیچ یک از متون مورد بررسی به‌طور واضح چنین ابرازی دیده نشد، اما اگر ارائه اجراهای جنسیتی مبتنی بر درهم‌ریختن وظایف نقش‌ها را به نوعی ابراز برابری خواهانه بدانیم، همین که این افراد به کارهایی دست می‌زنند که تا پیش از این مردانه شمرده می‌شدند، خود نوعی ابراز برابری خواهی شمرده می‌شود.

**تردیدهای هنجاری نسبت به مناسبات قدرت جنستی:** به نظر می‌رسد زنان خیر اینستاگرامی نه تنها از خلال فعالیت‌های خیریه‌شان، تردیدهایشان نسبت به مناسبات قدرت جنسیتی را بیان می‌کنند، بلکه ایجاد تردید هنجاری در میان مخاطبان‌شان می‌کنند. درواقع مخاطبان از خلال اجرای ایشان از نقش‌هایشان و تغییر در روند ایفای نقش‌هایی که در اجتماع به‌طور جنسیتی تعریف شده‌اند، در هنجارهای مبتنی بر جنسیت دچار تردید می‌شوند.

۱ این تذکر لازم است که در صفحاتی که پست‌های شخصی نیز وجود دارد، فقط پست‌های حاوی اطلاعات مرتبط با فعالیت‌های خیریه‌ی صاحبان صفحه ارزیابی شدند.

**به کارگیری/عدم به کارگیری عناصر هم‌خوان با هویت جنسیتی غالب:** به نظر می‌رسد میان به کارگیری یا عدم به کارگیری، همچنان به لحاظ کمی، کفه ترازو به سمت به کارگیری عناصر هم‌خوان با هویت جنسیتی غالب بچربد، اما عناصری که به چالش کشیده شده‌اند (در پوشش، در مسأله سرپرستی، در تعریف خود در نسبت دیگری و...) عناصری بنیادین هستند.

**به کارگیری زبان جنسیتی:** با توجه به تعریفی که در بخش قبل از تعریفی که نگارندگان از زبان جنسیتی در این مطالعه مد نظر دارند، به نظر می‌رسد غالب بازخوردهای مربوط به محتواهای به اشتراک گذاشته شده به نحوی درگیر این زبان جنسیتی شده هستند. از دیگر سو، زبان جنسیتی نه تنها در نظرات مخاطبان، بلکه در خود متن ارائه شده نیز بسیار مشهود است. استفاده از علامت‌ها<sup>۱</sup> که غالباً بیانگر احساساتند. استفاده از کلمات احساسی و استفاده از قراردادهای زبان مبتنی بر جنسیت در متون به اشتراک گذاری شده بسیار به چشم می‌خورد.

### بحث نظری

این طور به نظر می‌رسد که کنشگران در حوزه فعالیت‌های خیریه همچون بسیاری دیگر فعالیت‌ها، فضای مجازی را بستری مناسب یافته‌اند تا از این طریق بتوانند آنچه که در صد اجرایش هستند را گسترش دهند. در این میان، سازمان‌های خیریه و زنان و مردانی که به امور نیکوکارانه مبادرت می‌ورزند، از طریق استفاده از امکانات این فضا و شبکه‌های مبتنی بر فضای مجازی، در پی جلب هرچه بیشتر حمایت‌های مردمی برآمده‌اند. گرچه در این زمینه، آمار مشخص و متقنی وجود ندارد، اما جستجویی در فضای مجازی می‌تواند به سادگی بر این مدعا صحت بگذارد. همچنین چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره شد، این‌طور می‌نماید که فعالیت‌های خیریه زنان از حالت تأمینی خارج شده و بر حمایت‌گری حتی در فضای مجازی معطوف شده است. با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی و البته با تکیه بر نظریه اجرای جنسیت باتلر، با جمع‌بندی یافته‌های حاصل از این مطالعه، معتقدیم سؤال اول پژوهش را تحت محوریت دو گزاره زیر می‌توان پاسخ داد:

#### الف) فعالیت‌های نیکوکارانه زنان در فضای مجازی به مثابه اجرای متفاوت جنسیتی

چنانچه گفته شد، زنان از خلال فعالیت‌های خیریه‌شان، در مقام سوژه، اجرای نقش‌های جنسیتی‌شان را مورد تحول قرار می‌دهند. از همین رو، نه تنها اجرا به گونه‌ای متمایز از قبل

صورت می‌گیرد، بلکه معادلات ساختاری که نقش‌های جنسیتی را اموری از پیش مسلم جلوه می‌داده‌اند، قطعیت و مشروعیت‌بخشی‌شان را اگر نگوییم از دست می‌دهند، لاقلاً خود را مواجه با چالشی جدی می‌بینند. این زنان خیر فقط از خلال فعالیت خیریه‌شان، عمل نیکوکارانه انجام نمی‌دهند، بلکه با استفاده از ایجاد حس همدلی و اعتمادی که بر اثر ارائه روایت‌های زندگی‌شان میان خود و مخاطبان‌شان به‌دست آورده‌اند، برای ایشان به دیگری مهمی تبدیل می‌شوند. حال با توجه به اینکه این دیگران مهم اجراهای متفاوتی نسبت به آنچه غالباً در جامعه نسبت به نقش‌های جنسیتی در حال مشاهده هستیم را به نمایش می‌گذارند - و البته این اجراها گرچه متفاوتند، لکن محیرالعقول نیستند- پس هنگامی که در کنار عواملی چون قدرت بیان استدلال، توانایی مشارکت و ایجاد امکان حضور برابر قرار می‌گیرند، عملاً مفروضات ساختاری راجع به هویت جنسیتی را در معرض چالش قرار می‌دهند.

#### ب) فعالیت‌های نیکوکارانه زنان در فضای مجازی به مثابه محمل بازنمایی انسداد<sup>۱</sup>

اگر بپذیریم که زمانی که گفتمان جنسیتی غالب انواع محدودیت‌ها را بر سر راه عاملیت‌ها اعمال کند، از طرفی هم هیچ راه جایگزینی برای مورد تردید واقع‌شده‌اش پیشنهاد ندهد، لاجرم دچار انسداد می‌شود. از همین خلال، جنسیت به‌عنوان یک اجرای گفتمانی در مقابل این اعمال نظارت مشخصاً قد علم کرده، مقاومت می‌کند. شاید این همان «آن گفتمانی» باشد. به‌نظر می‌رسد زنان کنشگر خیر در فضای مجازی، از طریق بیان استدلال، حضور و مشارکت، ابرازات برابری‌خواهانه (هرچند کم) و نهایتاً به‌کارگیری عناصر ناهمخوان با هویت جنسیتی غالب (مثلاً نوع پوشش نامتعارف و یا فرض همسانی و برابری و جز آن) عناصر شناوری از گفتمانی جدید - که نظری به خواسته‌های زنان و درخواست‌های مبتنی بر برابری دارد- را سعی می‌کنند به‌شکلی وارد گفتمان مردانه کنند.

از همین‌رو همچنان که گفته شد اجراهای جنسیتی لزوماً مکانیسمی برای پیروی دقیق از درخواست‌های گفتمانی نیست، بلکه می‌تواند عرصه‌ای برای ظهور عاملیت‌ها باشد. لِه‌ذا عناصر گفتمان جنسیتی نه به‌صورتی دست‌نخورده، بلکه مشخصاً با تغییراتی ناشی از اجرای نقش‌های جنسیتی توسط زنان خیر از طریق فعالیت‌های خیریه اینستاگرامی بازنمایی می‌شوند. آنچه از خلال این فعالیت‌ها اجرا می‌شود و نمود پیدا می‌کند، نه لزوماً اراده ساختار است و نه برخاسته از آگاهی عاملیت‌ها، بلکه یک واقعیت سیال است؛ چیزی میان این دو و دربردارنده عناصری از

هر دو، لکن مشخص است که گفتمان مردانه نیز (در جایگاه گفتمان غالب) در برابر جایگزین شدن عناصر گفتمانی معارض بی کار نمی‌نشیند. پاسخ سؤال دوم در گزاره سوم حاصل از تحلیل متون این مطالعه است:

### ج) زبان جنسیتی به مثابه سلاح گفتمان مردسالار

اجرای متفاوت نقش‌های جنسیتی، مخاطب عام یافتن و مقبولیت یافتن از جانب مخاطبان زنگ خطری است که گفتمان مردسالار به خوبی آن را می‌شنود. از همین رو در صدد برمی‌آید تا به نوعی میان خود (گفتمان مردانه) عناصر از پیش تعریف شده - نقش‌های جنسیتی - نابرابری جنسیتی) و دیگری (زنانگی - مفاهیم جایگزین مبتنی بر تغییر در اجرای نقش - کسب هویت) ایجاد نوعی غیریت کند؛ خط واسط میان آن دو بکشد و به طریقی خود را از دیگری تمییز دهد. زبان جنسیتی یکی از این ساز و کارهاست. در واقع زبان جنسیتی در اینجا ابزاری برای اعمال هژمونی می‌شود. در فعالیتهای زنان نیکوکار در اینستاگرام، این اعمال استیلا از سه معبر می‌گذرد:

- کاربرد زبان جنسیتی توسط خود خیران

- بازخوردهای زبانی خشونت‌آمیز

- بازخوردهای زبانی نرم

### جمع‌بندی

در آغاز ضمن اشاره به کنشگری خلاق زنان در گفتمان فمینیستی، گفته شد که «مشارکت» در جامعه مدنی عنصری غیرقابل احتراز است؛ بنابراین، نقش‌های محول به آنها می‌تواند به لحظ کیفی تغییر کند. از سویی استدلال کردیم که گویا در زندگی زنان امروز، مشارکت بخشی از ملازمات اجرایی شدن جنسیت به‌شمار می‌رود؛ بدین معنا که مشارکت تحت لوای گفتمان غالب جنسیتی چنان خصوصیتی می‌یابد که گویی مشارکت زنان حایز ویژگی‌های خاصی است. از این‌روست که شاهدیم زنان در فعالیتهای حمایتی همچنان نقشی فعال دارند و در بسترهای جدید نیز این الگوی سنتی حمایت‌گرانه را بازتولید می‌کنند؛ چراکه این سطح از مشارکت همواره در گستره عناصر گفتمانی جنسیت برای ایشان تعریف شده و مسلم انگاشته می‌شود. با تکیه بر مفاهیم مورد نظر باتلر، کنش خیرخواهانه زنان از خلال شبکه‌های مجازی نیز بخشی از اجرای جنسیت در نظر گرفته شد. با مطالعه متون انتخابی بدین نتیجه ره‌یافتیم که فعالیتهای خیریه زنان در فضای مجازی (در این مطالعه: اینستاگرام) گرچه در بردارنده نمودهای فعالیت



حمایتی در قالب مشارکت است، اما محملی جدی برای نشان دادن انسداد عناصر گفتمان مردسالار نیز هست و اجراهای متفاوت از جنسیت می‌توانند لحظه‌های گفتمانی را رقم بزنند که طی آن عناصر [گفتمانی] تعیین‌کننده پیشین، اگرچه با تغییر که با چالش جدی مواجه شوند. ازسویی اشاره کردیم که (اگر بپذیریم) مشخصاً گفتمان‌ها به جایگزین شدن عناصرشان مقاومت، بنابراین گفتمان مردسالار نیز در برابر عناصر جدید بی‌کار نمی‌نشیند، بلکه در این میان قوی‌ترین سلاحش در ابقای هویت جنسیتی حال حاضر، کاربرد «زبان جنسیتی» است.

## منابع

- احمدی، زهت (۱۳۹۱) نهاد وقف در دوره صفویه، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام. شماره ۱۵. صص ۴۱ تا ۵۶.
- باتلر، جودیت (۱۳۸۵) آشفتگی جنسیت. ترجمه امین قضایی. نشر مجله شعر: نسخه الکترونیک.
- حقایق، آذین و فرزانه سجودی (۱۳۹۴) تحلیل معناشناختی دو نگاره از شاهنامه فردوسی بر اساس الگوی نشانه‌شناسی اجتماعی تصویر. نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی. دوره ۲۰. شماره ۳. صص ۱۲ تا ۵.
- خانی جزنی، جمال (۱۳۸۸) هویت مجازی. تهران: مهرتاب.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۵۲) آثار ملی اصفهان. تهران: انجمن آثار ملی.
- سیدمن، استیون (۱۳۹۲) کشاکش آراء در جامعه‌شناسی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۲) مشارکت اجتماعی زنان. مجله زن در توسعه و سیاست. شماره ۷. صص ۱۷۶ تا ۱۴۱.
- شادی‌طلب، ژاله و افسانه کمالی (۱۳۸۱) مشارکت اجتماعی زنان (۱) مجله زن در توسعه و سیاست. شماره ۴. صص ۵۲ تا ۲۶.
- شریفی، شهلا. دریق‌گفتار، سمانه (۱۳۹۵) بررسی نمود تفاوت‌های جنسیتی ایدئولوژیک در جامعه، در دو دوره کشف و اشاعه حجاب. پژوهش‌نامه‌ی علوم انسانی، شماره ۷۰. بهار و تابستان، صص ۱۸۴ تا ۱۵۳.
- صابرپور، زینب (۱۳۹۳) جنس دوم به‌عنوان مبنایی نظری برای تحلیل فمینیستی انتقادی گفتمان. مجله جستارهای ادبی. شماره ۱۸۴. صص ۵۱ تا ۲۸.
- عقیلی، سید وحید و امیر لطفی حقیقت (۱۳۸۸) دیرینه‌شناسی دانش و گفتمان، درآمدی بر نظریه گفتمان فوکو. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران. سال دوم. شماره ۱. صص ۱۵۴ تا ۱۲۷.
- فروغی، مریم (۱۳۹۷) زنان خیر، از نظارت تا مشارکت. یادداشت هفتگی. روزنامه اصفهان زیبا. دوشنبه، ۱۳۹۷/۴/۲۵. شماره ۳۲۴۶.
- فوکو، میشل (۱۳۸۹) تئاتر فلسفه: گزیده‌ای از درسگفتارها، کوتاه‌نوشت‌ها و... ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاندیده. تهران: نشر نی.
- فیاض، ابراهیم و رهبری، زهره (۱۳۸۵) صدای زنانه در ادبیات معاصر ایران. پژوهش زنان. دوره ۴. شماره ۴. صص ۵۰ تا ۲۳.
- کتز، استیفن (۱۳۹۰) میشل فوکو، چاپ شده در کتاب برداشت‌هایی در نظریه اجتماعی معاصر، ویراست آنتونی الیوت و برایان ترنر، ترجمه فرهنگ ارشاد. چاپ اول. تهران: جامعه‌شناسان.
- کرمانی، محسن و دلآوری، ابوالفضل (۱۳۹۵) از ایدئولوژی تا گفتمان: سوژه، قدرت و حقیقت. فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبایی) شماره ۷۴. صص ۱۴۸ تا ۱۱۱.

- لغت‌نامه دهخدا، مدخل م، ذیل واژه مونث. نسخه الکترونیک.
- محمدی، مجید (۱۳۸۲) دین و ارتباطات. چاپ اول. تهران: کویر.
- مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰) نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو و موف و نقد آن. مجله معرفت فرهنگی-اجتماعی. سال ۲. شماره ۲. صص ۹۱ تا ۱۲۴.
- هاشمی، شهناز؛ دیندارفرکوش، فیروز و احمدی مرویلی، لیلا (۱۳۹۰) مدل مفهومی استفاده از فضای اینترنت توسط مخاطبان. مجله مطالعات رسانه‌ای. سال ۶. شماره ۱۳. صص ۲۷۲ تا ۲۵۰.
- یاسمی، کلثوم و آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۵) تحلیل گفتمان انتقادی کتاب American English File با استفاده از مدل ون‌دایک. مجله مطالعات فرهنگ ارتباطات. سال ۱۷. شماره ۶۶. صص ۲۰۶ تا ۱۸۵.
- یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹) نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- Bodies that Matter: On the Discursive Limits of Sex (1993) London and New York: Routledge.
- Melancholy and Gender \_Refused Identification (1995) Psychoanalytic Dialogues. The International Journal of Relational Perspectives. 5:2. Pp 165-180.
- Feminist Critical Discourse Analysis \_Gender, Power and Ideology in Discourse (2007) 2nd Edition. New York: Palgrave McMillan.
- Notes toward a Performative Theory of Assembly (2015) Harvard University Press.
- Butler, J. (1990) Gender Trouble, Feminism and the Subversion of Identity. London and New York: Routledge.
- Cameron, D (2001) Working with Spoken Discourse. London: Sage.
- Fairclough, N. and Wodak, R.(1997) Critical Discourse Analysis. (Ed. T. Van Dijk) Discourse as Social Interaction. Discourse Studies: A Multidisciplinary Introduction. Vol2 . London: Sage.
- Foucault, M. (1998) Essential Works of Foucault 1954-1984 .Aesthetics, Method and Epistemology. Vol2. (Ed. P. Robinow) New York: The New Press.
- Jagger, G. (2008) Judith Butler, Sexual Politics, Social Change and the Power of the Performative. London and New York: Routledge.
- King, A. (2004) The Prisoner of Gender, Foucault and the Disciplining of the Female Body. Journal of International Women's Study. 5:2. Article4. Pp 29-41.
- Kress, G. Vanleeuwen, T. (1996) Reading Images: The Grammar of Visual Design. London: Routledge.
- Lazar, M. M. (2000) Gender, Discourse and Semiotics: The Politics of Parenthood Representations. Discourse and Society. Vol11. Pp 373-400.
- Litosseliti, L. and Sunderland, J. (2002) Gender Identity and Discourse Analysis. Chapter \. Amsterdam and Philadelphia: John Benjamin Publishing Company.

- Lloyd, M. (1999) Performativity, Parody, Politics. *Theory, Culture and Society Journal*. 16:2. pp 195-213.
- McCarthy, K. (2001) *Women, Philanthropy and Civil Society*. Bloomington and Indianapolis: Indiana University Press.
- Sondergaard, D. M.(2016) Making Sense of Gender. Age, Power and Disciplinary Position: Intersecting Discourses in the Academy. *Feminism and Psychology Journal*15:2. pp 189-208.
- Tilak, G. (2017) Effectiveness of Social Media as a Marketing Tool for NGOs in Pune, India. *International Journal of Innovative Research and Development*. 6:1. pp 71-82.